

آن قدر سرعش بالاست که هنگام نواختن دیگر دست‌هایش دیده نمی‌شوند. احساس می‌کنید سیم‌های سه‌تار داغ می‌کنند و دیگر تحمل زخمه‌های پی‌در پی‌اش را که در کسری از ثانیه فرود می‌آیند، ندارد. به علاوه، هر چقدر هم که سریع یا آهسته بزند، هیچ‌گاه ریتم و ملودی را از دست نمی‌دهد. آن چنان موسیقی غربی را یا همین تارش می‌نوازد که انگار سال‌ها شاگرد مستقیم باخ و شوپن بوده. تمام زیر و بم موسیقی ما را می‌شناسد و به علاوه، هر چند کم‌ولی آهنگ‌هایی می‌سازد که در دکان هیچ آهنگساز دیگری نمی‌توانید نمونه‌شان را پیدا کنید. همه اینها فقط در یک نفر جمع می‌شود؛ «کیوان ساکت»؛ نوازنده پر حاشیه‌ای که در طول این سال‌ها همان قدر که پر حاشیه و مدعی بوده، توانمند و با استعداد هم بوده است. آدمی با همه این اوصاف، برایمان می‌گوید که چرا جوان‌ها نسبت به موسیقی سنتی کم‌انگیزه‌اند.

گوشان عادت ندارد

می‌توان داشت که جوان ایرانی عاشق موسیقی ملی‌اش باشد و انگیزه کافی برای یادگیری آن پیدا کند.

● یعنی شما تمام مشکل را متوجه صدا و سیما می‌دانید؟ هیچ عامل دیگری نقش ندارد؟

البته عامل‌های دیگری هم نقش دارند اما صدا و سیما بیشترین مسوولیت را دارد. اجراهای ضعیف توسط کسانی که کم‌تجربه هستند یا خودشان انگیزه‌ای برای نوآوری و پویایی موسیقی سنتی ندارند هم باعث می‌شود که جوان‌هایی هم که این موسیقی را گوش می‌کنند، انگیزه‌ای برای دنبال کردن آن نداشته باشند؛ چون انگیزه‌ها در پی گوش کردن به کارها و اجراهای خوب به وجود می‌آیند. وقتی اجرای خوبی صورت نگیرد یا حتی کم باشد یا اجراهای خوب پخش نشوند و به گوش جوان‌ها نرسند، نتیجه‌اش این می‌شود که انگیزه‌ای هم برای رفتن به سمت این موسیقی به وجود نمی‌آید.

● حالا چه کار باید کرد؟ می‌گویید جوان‌ها چه کار باید بکنند؟

آموزش، آموزش، آموزش، جوان‌ها باید به گوششان یاد بدهند که هر صدایی را نشنوند. باید این قدر اجرای خوب بشنوند تا کم‌کم فرق موسیقی خوب و بد را از همدیگر بتوانند تشخیص بدهند.

موسیقی‌های پاپ و غربی وجود دارد، در زمینه موسیقی سنتی وجود ندارد. همه اینها نشان می‌دهد که جوان‌ها انگیزه کمتری نسبت به موسیقی ایرانی دارند.

● ولی در کشورها غربی هم، نسل‌های جدید و جوانتر به موسیقی‌های روزشان مثل پاپ و راک و... بیشتر علاقه نشان می‌دهند تا موسیقی کلاسیک.

شما نمی‌توانید آنها را با ما مقایسه کنید. موسیقی آنها طی سال‌ها و همراه با تغییرات اجتماعی و فرهنگی‌ای که وجود داشته تغییر کرده و همه موسیقی‌های آنها هم متناسب با شرایط اجتماعی‌شان تولید شده اما ما در طول ۳۰-۲۰ سال ناگهان موسیقی مان متحول شد. به علاوه اینکه موسیقی‌ای که وارد جامعه ما شد و ناگهان رواج پیدا کرد، یک موسیقی کاملاً غربی بود و نمی‌شود گفت که نتیجه تحولات فرهنگی و اجتماعی ما بوده.

● بالاخره شما فکر می‌کنید چه عاملی جوان‌ها را نسبت به موسیقی سنتی بی‌انگیزه کرده؟

به نظر من بیشترین تقصیر را صدا و سیما بر گردن دارد. وقتی شب و روز انواع موسیقی‌های پاپ و غربی از تلویزیون و رادیو پخش می‌شود، معلوم است که جوان‌ها هم به این نوع موسیقی گرایش پیدا می‌کنند. وقتی صدا و سیما حتی تصویر سازهای اصیل ما را هم در تلویزیون نشان نمی‌دهد، چه انتظاری

علی اصغر رضوی

● شما گفته بودید که ثبت ردیف‌های موسیقی سنتی در یونسکو فایده‌ای ندارد؛ می‌خواستیم بپرسیم چرا؟
من این را نگفته بودم؛ این را از قول من نقل کرده بودند که متأسفانه درست هم نبوده.

● بالاخره به نظر شما ثبت ردیف‌های موسیقی ایرانی در یونسکو فایده‌ای داشته یا نه؟

البته، ردیف موسیقی ایرانی میراثی است که سینه به سینه و طی سال‌ها از نیاکانمان به ما رسیده. ما هم هر کاری که در توانمان باشد باید انجام دهیم تا آن را حفظ کنیم و به آیندگانمان برسانیم. این حرف خیلی مسخره است که از قول من نقل می‌کنند که ثبت ردیف‌ها در یونسکو هیچ فایده‌ای نداشته است. کمترین فایده‌اش این است که این ردیف در یک جای معتبر نگهداری می‌شود و جهان هم با موسیقی ما بیشتر آشنا می‌شود و به اهمیت آن پی می‌برد. به علاوه، جوان‌ها هم در داخل کشور بیشتر به اهمیت این ردیف‌ها پی می‌برند و طبیعتاً بیشتر به طرف موسیقی اصیل ایرانی جذب می‌شوند. کار خیلی خوبی که در مسیر ثبت این ردیف‌ها صورت گرفت این بود که از همه ردیف‌های به جا مانده از گذشتگان، یک نمونه به یونسکو فرستاده شده و در آن آرشیوی که به صورت رسمی ثبت شده است، تمامی نمونه‌های ردیف معتبر ایرانی وجود دارد. این باعث می‌شود که سبک‌های مختلف هم ماندگار بمانند و حداقل نمونه‌های آنها آرشیو بشود.

● در همان‌جا از شما نقل کرده بودند که وقتی جوان‌ها انگیزه‌ای برای یادگیری موسیقی اصیل ما ندارند، دیگر ثبت آن در یونسکو فایده ندارد. حالا واقعا شما معتقدید جوان‌های ما برای یادگیری موسیقی سنتی بی‌انگیزه‌اند؟

البته تا حد زیادی بی‌انگیزگی در موسیقی اصیل ما وجود دارد ولی این نمی‌تواند دلیل خوبی برای بیهوده بودن ثبت ردیف‌ها در یونسکو باشد.

● چرا اینجوری فکر می‌کنید؟ یعنی دلایل آن برای اینکه می‌گویید جوان‌ها نسبت به موسیقی

سنتی بی‌انگیزه‌اند چیست؟
این همه آموزشگاه و دانشکده کوچک و بزرگ و موسیقی وجود دارد که هزاران هنرجو در آنها مشغول یادگیری موسیقی ایرانی هستند. حداقل این تعداد نسبت به هنر جوهای زمان شما بیشتر است. این طور نیست؟

خب، شما باید تعداد را نسبت به جمعیت بسنجید؛ مثلاً اگر ۴۰-۵۰ سال پیش، تهران یک میلیون نفر جمعیت داشته، در عوض چند صد تا نوازنده خوب هم داشته؛ ولی الان تعداد نوازنده‌های خوب و هنر جوها نسبت به آن زمان خیلی کمتر است. به علاوه اینکه تعداد هنر جوهایی که به طرف موسیقی‌های غربی و پاپ می‌روند، در صدشان خیلی بیشتر است تا کسانی برای یاد گرفتن سازها یا موسیقی ایرانی در آموزشگاه‌ها ثبت نام می‌کنند. گذشته از اینها، این تعداد خواننده محبوب و مشهوری که در زمینه



عکس: رضا جلالی